ارزشها و رشد اقتصادی جنوب شرقی آسیا

تذهیبی، فریده

پیشگفتار

این نوشته برگردانی از مقاله مندرج در شماره‏ دسامبر 1995 مجله اکونومیست است.بیش از مطالعه این مقاله باید به دو نکته توجه داشت:

1-در نامه اتاق بازرگانی سلسله مقالاتی در مورد جنبه‏های مختلف رشد اقتصادی آسیا منتشر نمودیم‏ که طی آن به کتاب ماها تیرمحمد نخست‏وزیر مالزی تحت عنوان آسیایی که می‏تواند بگوید نه‏"، اشاره شد.باید گفت که رشد چشمگیر اقتصادی‏ آسیا و ارزشهای اخلاقی و معنوی آن‏چنان دنیای‏ غرب را،اگر نگوئیم به وحشت انداخته،تحت تأثیر قرار داده است که به نظر می‏رسد با مقالاتی شبیه‏ آنچه بنظرتان خواهد آمد درصدد تخطئه آن،حتی‏ در مقالات دانشگاهی هستند.

2-در مقاله حاضر لاجرم به ارقام رشد چشمگیر و افزایش تولید در جنوب شرقی آسیا اشاره می‏ شود،ولی با تئوری کارائی عوامل تولید سعی به رد آن از نظر کیفی و یا از دید امکان ادامه رشد دارند. آنچه باید از این مقاله آموخت اینستکه به‏هرحال‏ مطلبی که اهمیت اساسی دارد افزایش تولید و اصلاح کارائی هریک از عوامل شرکت‏کننده در آن‏ می‏باشد مورد توجه قرار گیرد.

اگر معجزه اقتصادی آسیا اتفاق نمی‏افتاد،ممکن بود هرگز راجع به ارزشهای آسیائی مطلبی در دنیای منعکس‏ نشود.اطمینان به نفسی که از رشد چشمگیر اقتصادی‏ آسیا سرچشمه گرفت تا حدی موجب شد که جنبه‏های‏ اخلاقی،اجتماعی و سیاسی آن قاره را نیز برای موفقیت‏ سهیم بدانند.بنابر این وقتی یک اقتصاددان جوان‏ امریکائی آب سردی روی تب شکوفائی اقتصاد آسیا ریخت،انگیزه منقدین او غیر از مسائل تخصصی‏ سرچشمه در دیدگاههای دیگر هم داشت.در قسمتی از آسیا انتقادهای این اقتصاددان به عنوان بخشی از عکس العمل شدید غربی‏ها علیه منطقه‏ای که بیش از حد رشد کرده بود تلقی شد.

پل کروگمن‏1،استاد اقتصاد در دانشگاه استانفورد امریکا در مقاله خود(که هم‏اکنون مشهور شده)تحت‏ عنوان‏"راز معجزه آسیا"که در نوامبر 1994 در مجله‏ امریکائی امور خارجی‏2منتشر شده اظهار می‏دارد که‏ هنگام نگارش آن مقاله در مورد تمام جنبه‏های معجزه‏ آسیا فکر نکرده بود،و تنها در پی راهی برای جلب توجه‏ مردم به موضوع بود که به این هدف دست یافت.

قصد او اشاره به تشابه احساس خوب و موقت غربی‏ها در مورد چشم انداز رشد آسیای شرقی با نگرانی سالهای‏ 1950 و 1960 در مورد سربلندی عظیم اتحاد شوروی بود. او استدلال می‏کند که این تشابه اتفاقی نیست.در هر دو این موارد رشد اقتصادی بر پایه گسترش تجهیز منابع‏ استوار است نه براساس افزایش کفایت و کارآئی.در مورد آسیای شرقی نتایج بیشتر قابل درک و کمتر از آنچه‏ بسیاری می‏پندارند قابل ادامه و نگهداری است.این‏ مقایسه دارای اتثر و مفهومی خاص است،یعنی غرب بیش‏ از آنچه از کمونیسم آموخت از ارزشهای آسیائی یاد نخواهد گرفت.همانقدر که استالین قابل تقلید بود،لی‏خوان‏یو نیز هست.

البته طرح این بحث نتایج اعصاب خردکنی داشت و بعد از یکسال هنوز گفتگو بر سر آن ادامه دارد.در ماه دسامبر 1995 گروهی از جمعیتهای طرفدار آسیا یک گردهمائی‏ بسیار مؤثر در بانکوک ترتیب دادند تا به آقای کروگمن‏ بگویند که او اشتباه کرده است.یکی از گردانندگان این‏ گردهمائی گفت که اقدام آقای کروگمن توطئه‏ای علیه‏ آسیائی‏ها بوده است.اما آقای پروفسور هم از قبل مسلح‏ شده بود.تز کروگمن می‏گوید که رشد آسیا تقریبا بطور کامل وابسته به افزایش داده‏ها مخصوصا کار و سرمایه‏ است اگر شما ماشینهای سوسیس‏سازی بیشتری بخرید و کارگر بیشتری هم استخدام کنید بدون شک تولید سوسیس شما بالا می‏رود.پس معجزه این کار کجاست؟ این یک رشد خطی است و وقتی کارگر و ماشین بیشتری‏ در دسترس نباشد،روند آن کند می‏شود.اگر ماشین دوم‏ سوسیس‏سازی شما بازده را دو برابر کند ماشین سوم تنها 50 درصد به تولید خواهد افزود.اگر نتوانید یاد بگیرید که با کیفیت بهتر و با روش کارآتری سوسیس بسازید،به هر حال از قانون بازده نزولی ضرر خواهید دید.

سهم جمعیت شاغل در سنگاپور بین 1966 تا 1990 از 27 درصد به 51 درصد رسیده است.اگر بچه‏ها به همین‏ ترتیب به نیروی کار جذب نشوند این افزایش قابل تکرار نخواهد بود.در همین دوره مالزی سهم سرمایه‏گذاری در تولید ناخالص ملی را از حدود 20 درصد به بیش از 40 درصد رساند که باید نزدیک حد نهائی آن باشد.

ارزیابی درست‏ترین پاسخی که به آقای کروگمن داده‏ شده بسیار مشکل است.بعضی از اقتصاددانان می‏گویند که اعداد ارائه شده توسط وی کاملا غلط است.آقای‏ کروگمن قبول می‏کند که اندازه‏گیری بهره‏وری کلیه‏ عوامل‏3بسیار مشگل است و در واقع هیچکس نمی‏داند که چه چیز باعث افزایش کارآئی می‏شود،اما استدلال‏ می‏کند که امکان دارد شاخصهای قابل اعتمادی از کل‏ داده‏ها درست کنیم.حال اگر این اعداد را بهم اضافه نموده‏ و سپس دریابیم که رشد داده‏ها از رشد بازده کندتر نبوده در اینصورت باید گفت‏"بهره‏وری کلیه عوامل‏"اصلا رشد نکرده است.آقای کروگمن ادعا می‏کند که متخصصین‏ محاسبه رشد اقتصادی نمی‏توانند این بحث را کاملا رد کنند.

به‏هرحال مطالعات دیگر از جمله مطالعات بانک‏ جهانی ارقام بالاتری از"بهره‏وری کلیه عوامل‏"را در شرق‏ آسیا نشان می‏دهد.این مطالعات با آنچه افراد پس از چند سال بازدید از منطقه مشاهده می‏کنند تطابق دارد،یعنی‏ نشان می‏دهد که فعالیت اقتصادی بسیار کارائی به صورت‏ انفجاری رخ داده است.آقای کروگمن این بحثهای خنده‏ آور را با مشاهدات نویسنده دست راستی ویلیام کوبت از بریتانیا مقایسه می‏کند.کوبت فقر مدام را دیده‏ و پیشرفتهای انقلاب صنعتی را نادیده گرفته بود.کسانیکه‏ به پیشرفت اقتصادی آسیا بالند معجزه را می‏بینند و توجهی به مسامحه کاریهای آن ندارند.

در بعضی از انتقادات کروگمن متهم شده که آنچه‏ در مورد"بهره‏وری کلید عوامل‏"و رشد اقتصادی آسیا می‏گوید در واقع تصور آینده براساس گذشته است.آقای‏ نورالدین سولی متخصص موسسه مطالعات استراتژیک‏ و بین الملل مالزی ادعا می‏کند که یکی از ویژگیهای کشور او"بازسازی خودش‏"بوده است.به همین ترتیب سنگاپور به رغم اینکه در مجله‏"امور خارجی‏"زیر ذره‏بین قرار گرفته‏ است در مورد تجزیه و تحلیل آقای کروگمن به راحتی‏ برخورد نموده است.مقامات رسمی آن کشور می‏گویند که‏ رشد داده‏ها در زمان گذشته بویژه در آموزش و پرورش به‏ افزایش آتی‏"بهره‏وری کلید عوامل‏"خواهد انجامید.

برای این نحوه استدلالها جاذبه عمومی وجود دارد.به‏ تدریج که مزایای خاص آسیائی‏ها بویژه نیروی کار ارزان از بین می‏رود رقابت بین المللی آنها را مجبور می‏سازد که‏ کارائی خود را اصلاح نمایند.آقای کروگمن می‏گوید که‏ لزوما اینطور نیست.افزایش کارائی بسیار مشکلتر از افزایش داده‏ها است‏"و هیچ دلیلی وجود ندارد که کشورهای‏ آسیائی بدانند چگونه به اصلاح کارائی خود بپردازند.

به‏هرحال‏"بنظر می‏رسد اختلاف طرفین این بحث در حقیقت بسیار زیاد نیست آقای کروگمن نمی‏گوید که‏ شکوفائی اقتصادی آسیا تمام شده است بلکه معتقد است‏ سرعت آن کاهش یافته است.احتمالا تعداد زیادی در آسیا با این نکته مخالفت ندارند که مثلا معدل رشد سالانه‏ چین از هم‏اکنون تا سال 2010 بجای 10%رقمی نزدیک‏ به 7%خواهد بود و براساس این فرض در آن تاریخ اقتصاد چین در سال 2010 از اقتصاد امریکا عظیم‏تر نخواهد شد، ولی به‏هرحال اقتصاد چین از معادل 40 درصد اقتصاد امریکا به 82 درصد آن رشد خواهد کرد که خود تغییر بسیار بزرگی در معادلات اقتصادی دنیا خواهد بود.

بعضی از متخصصین آسیائی با بی‏میلی به استدلالهای‏ آقای کروگمن بها می‏دهند زیرا که توجه را به اهمیت‏ کارائی جلب کرده است.اعضای کابینه مالزی و سنگاپور ممکنست بطور استثنایی قبلا به موضوع‏"بهره‏وری کل‏ عوامل‏"آگاهی داشته‏اند.نقش آقای کروگمن ممکنست‏ این باشد که به کاهش نگرانی غریبها در مورد معجزه آسیای‏ شرقی کمک کرده باشد و نتیجه چنین برداشتی تنها می‏تواند فشارهای حمایتی را کاهش دهد.

چون آقای کروگمن تنها یک جنبه معجزه را بیان کرده‏ با همه هیاهوئی که براه انداخته نتوانسته مساله را بشکافد،ولی به‏هرحال تمام بحثهایش متضمن نوعی‏ آگاهی است.او می‏گوید مقایسه اتحاد شوروی سابق با آسیای شرقی مقایسه خوبی نیست ولی برزیل نمونه‏ بهتری است.زیرا که برزیل قبل از رشد بحران بدهی‏هایش‏ در نیمه سالهای 1960 سالانه 11 درصد نشان می‏داد. آقای کروگمن بدون اینکه کشور خاصی را نام ببرد از کسری موازنه پرداختهای بسیار چشمگیر بعضی‏ کشورهای آسیایی یاد می‏کند و می‏گوید اگر یکی دو مثال‏ دیگر مانند برزیل در شرق آسیا نداشته باشیم تعجب‏آور است.با این ادعاها شگفت‏آور نیست که این اقتصاددان‏ در مالزی،اندونزی،تایلند و استرالیا طرفدار ندارد.

پی‏نوشتها:

(1) Paul krugman

(2) Foreign Atfair

(3) Total factor productivity